

کندوکاوی در گستره احسان در عهد عتیق^۱

حسین حیدری^۲

استادیار گروه ادیان و فلسفه، دانشگاه کاشان

خدیجه کاردوست فینی^۳

کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشگاه کاشان

چکیده

خشیت از خداوند یا عالم غیب و شفقت نسبت به خلق دو عنصر مشترک همه ادیان بزرگ است که هردوی آنها به رها شدن از خودخواهی و خودشیفتگی آدمیان می‌انجامد. عهد عتیق مجموعه‌ای است که تحولات اندیشه دینی قوم یهود و برخی از تمدن‌های حاکم و مجاور آنان را در طول حدود ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح نشان می‌دهد. این مقاله در جستجوی تبیین و تحلیل آموزه فقهی و اخلاقی احسان (نیک‌اندیشی و نیکوکاری) در ۳۹ بخش عهد عتیق است و مصادیق آن را - از قبیل احسان به والدین، احسان به سالمندان و بیوه‌زنان، کارگران، بردگان و... - بررسی و گزارش می‌کند. همچنین می‌کوشد به احکام و مقررات فقهی مربوط به آن - از قبیل پرداخت عشریه، رها کردن محصولات و اراضی در سال هفتم برای نیازمندان، بخشیدن همه قرض‌ها در سال هفتم و... - نیز بپردازد. افزون بر این، در این مقاله می‌بینیم که آموزه برگزیدگی قوم و سرزمین یهود در کتاب مقدس به نژادپرستی و تبعیض نژادی نسبت به بیگانگان منتهی نمی‌گردد.

کلید واژه‌ها

نیکوکاری، برگزیدگی یهود، عهد عتیق، یهودیت، اخلاق یهودی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۳

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): heydari@kashanu.ac.ir

۳. پست الکترونیک: Erfan407@gmail.com

۱. مقدمه

احسان، نیکوکاری، خیراندیشی، و نوع دوستی از جمله ارزش‌های اخلاقی-دینی است که تاریخی به درازنای پیدایش انسان دارد و ریشه آن‌ها نهاد آدمی است. به بیانی دیگر، آدمی به حکم فطرت خویش، از تماشای رنج بینوایان آزرده خاطر می‌شود و درونش با یاری محرومان آرامش می‌یابد. اینکه اجتماعی بودن ویژگی سرشتی آدمیان است یا آدمی بنا بر نیاز مبرم معیشتی، از دیرباز به زندگی اجتماعی روی آورده، مورد اختلاف اندیشمندان رشته‌های علوم اجتماعی و تاریخ است، ولی در هر صورت، همواره آدمیان در جامعه زندگی کرده‌اند و روابط آنان با دیگران بر بنیاد اخلاق، دین و قانون شکل گرفته است.

اساساً، حیات و قوام انسان در گرو پیوستگی و وابستگی است. دانشمندان و مصلحان ادیان در گفتار و آثار خود مردم را به مهربانی، همبستگی، همدلی و احسان دعوت نموده و آن‌ها را از مقومات زندگی اجتماعی و جامعه برشمرده‌اند. خشیت از خداوند یا عالم غیب، و شفقت یا عدالت نسبت به خلق خدا دو رکن رکن همه ادیان است. همه ادیان از مردم زندگی اخلاقی خواسته‌اند و دستورهای آن‌ها به نحوی برای اصلاح بشر مقرر شده است.

احسان از دیدگاه واژه‌شناسی به معنای نیکی کردن، نیکویی نمودن؛ و از نظر اصطلاحی به معنای انجام نیکی در مقابل بدی افراد در چهار چوب شرایط احکام الهی است و از جمله ارزش‌های فقهی-اخلاقی است که روح انسان را رشد و کمال می‌دهد، و اجازه نمی‌دهد آدمی از بعضی از فجایعی که در پیرامونش می‌گذرد، بی‌اعتنا گذر کند و سبب برداشتن کینه‌ها و دشمنی‌ها و دوری از واگرایی اجتماعی و دستیابی به همگرایی اجتماعی می‌شود.

عهد عتیق شامل ۳۹ کتاب است که بجز بخش‌هایی از کتاب‌های عزرا و دانیال که به آرامی نگاشته شده‌اند، در ابتدا به زبان عبری تدوین شده‌اند و سه بخش: ^۱ تورات، ^۲ انبیا، و ^۳ نوشته‌ها^۴ را در بر می‌گیرد. گر چه بنا بر سنت یهود، قدیمی‌ترین بخش‌های آن مربوط به

-
1. TNK=Tanakh
 2. Torah
 3. Nebi'im
 4. Ketubim

وحی زمان حضرت موسی می‌شود، ولی امروزه محققان تاریخ تدوین صورت مکتوب این سه بخش را بترتیب تا قرن چهارم، قرن دوم و حدود ۱۰۰ قبل از میلاد هم می‌کشاند.^۱ این جستار عمدتاً با ارجاع مستقیم به ۳۹ کتاب عهد عتیق، اهمیت و گستره نیکوکاری را در این مجموعه بررسی و تحلیل می‌کند و همچنین به این پرسش پاسخ می‌گوید آیا به‌رغم باور به آموزه برگزیدگی یهود، کتب مقدس یهود احسان به دیگراندیشان را نیز توصیه می‌کنند یا خیر؟

۲. غایت شریعت و اخلاق در دین یهود

عهد عتیق یا تورات مجموعه دربردارنده احکام و سرودهای مذهبی قوم یهود است: «کتاب عهد عتیق در واقع یک سند کامل و متقن تاریخ آن قوم است که مورخان عبری آن را به قلم آورده‌اند».^۲ ناگفته پیداست که، تصور چگونگی تعامل انسان با خدا از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین تعالیم ادیان به شمار می‌آید و می‌توان گفت «اساساً دیانت موضوع رابطه‌ای است بین انسان و خدا».^۳ دیگر آموزه‌های ادیان کم و بیش، مستقیم یا غیرمستقیم، می‌کوشند این ارتباط را روشن‌تر ترسیم کنند. ادیان توحیدی، با ایمان و اتکاء به خدای یگانه به‌عنوان آفریننده هستی، عالم و توانا بر هر چیز و خیرخواه و مهربان نسبت به همه مخلوقات، مسیر روشنی برای رسیدن به هدف خود که همانا شناخت، نزدیکی و قرب پروردگار است، ترسیم کرده‌اند تا انسان با گام نهادن در این راه، و پیروی از دستورات الهی بتواند با اطمینان به منزل مقصود راه یابد.

در یهودیت، این مسیر از طریق شریعت تجسم می‌یابد. یهودیت از ادیان شریعت محور است. در هیچ یک از ادیان زنده جهان، شریعت چنین منزلتی ندارد. پشتوانه و غایت شریعت در تمام دوران سیر مذهبی قوم یهود همانا اعتقاد به خدای واحد عادل در نظام

1. Reichert, Andreas, "Bible", *The Brill Dictionary of Religion*, Edited by Kocku von Stuckrad, Vol.I, Leiden Brill, Boston, 2006, p.170.

۲. ناس، جان بایر، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ش، ص ۴۸۴.

۳. بوبر، مارتین، *کسوف خداوند: مطالعاتی در باب رابطه دین و فلسفه*، ترجمه عباس کاشف و ابوتراب سهراب، تهران، نشر پژوهش فرزاد روز، ۱۳۸۰ش، ص ۱۰۲.

طبیعی و دستگاه اجتماعی عالم است.^۱ در تورات بارها و بارها بر این تأکید شده که سعادت و خوشبختی، در پرستش خدای یگانه و اطاعت از او است.^۲ از این نظر، باید خدا را اطاعت و خدمت کرد. «اوامر او را نگاه داشته، به او بچسبید و او را به تمامی دل و تمامی جان خود عبادت نمایید.»^۳ «مرا بخوان و تو را اجابت خواهم نمود.»^۴ خدایی که به بنده اش رحمت می‌کند؛ «رحمت می‌کنم تا هزار پشت، بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند.»^۵

بالاخر از همه این‌ها، خداوند در همه موارد، رحمت خود را با عدالتش عجین می‌نماید و با نظر لطف و احسان بر همه مخلوقاتش می‌نگرد: «خداوند برای همگان نیکوست و رحمت هایش بر همه مخلوقات است.»^۶ به حدی که خداوند در مرحله نخست به تنبیه فرد شریر نیز مایل نیست، مگر به اصلاح او: «من خواهان مرگ شخص شریر و بدکار نیستم مگر این که شخص شریر از راه و روش (بد) خود توبه و بازگشت نموده تا زنده بماند.»^۷ تأکید بر عدالت الهی از این جنبه نیز حائز اهمیت است که انسان به پیروی از راه و روش خداوند و الحاق به آن موظف گردیده است: «در راه و روش‌های خداوند، سلوک نما»^۸، تا بدین گونه وجود خود را مقدس نموده و به خدای خود نزدیک‌تر شود.

وانگهی، انسان باید در برابر خدای یهوه همواره بکوشد تا گرفتار خشم و غضب او نگردد: «آنانی که خداوند را ترک نمایند، نابود خواهند گردید.»^۹ «بنابراین آسمان را متزلزل خواهم ساخت و زمین از جای خود متحرک خواهد شد. در حین غضب یهوه صبایوت و

۱. ناس، جان بایر، ص ۴۸۴.

۲. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، یهودیت، چاپ دوم، قم، انتشارات آیت عشق، ۱۳۸۴ش، ص ۸۷.

۳. یوشع، ۲۲: ۵.

۴. ارمیا، ۳۳: ۳.

۵. تثنیه، ۵: ۱۰.

۶. مزامیر، ۱۴۵: ۹.

۷. حزقیال، ۳۳: ۱۱.

۸. تثنیه، ۲۸: ۹.

۹. اشعیا، ۱: ۲۸.

در روز شدت خشم او.^۱ می‌توان در این زمینه اندیشید که خداشناسی *تورات*، بلکه تمام دیانت یهودیت، بر محور «خشیت‌الهی» می‌چرخد و این نکته‌ای است که تاریخ یهود و کتاب مقدسشان، آن را تأیید می‌کند. «در کتاب مقدس دو اصل دائماً تکرار می‌شود، قدرت خداوند و خدمتی که به قوم خود با اعمال قدرت انجام داده است، ترس از خداوند که در صورت عدم اطاعت از او با همان قدرت رهایی‌بخش خود هلاکت و فلاکت به بار خواهد آورد. در *تورات* سل، تب، مرض، قحطی و بلا و ... تا حد خوردن بچه‌های خود در شمار تهدیدها و وعده‌های یهوه ذکر شده است. این اعمال فضایل انسانی نیست، بلکه در یک رابطه بین یهوه و قوم او میثاقی برقرار گردیده که یهوه قوم خود را محافظت خواهد کرد و در مقابل نیز قوم او باید اوامر او را اطاعت کنند و جز او به دیگری سر فرود نیاورند».^۲

اساساً، مطابق انسان‌شناسی یهودی و مطابق دیدگاه حاخام‌ها، آدمی دو گرایش درونی دارد: گرایش خوب (*یصیر طوو*)^۳ و گرایشی به شرارات (*یصیرها-راع*)^۴. گرایش نخست انسان را به پیروی از خواسته‌های میصواها^۵ و نگهداری پیمانی که با خدا داشته است متمایل می‌کند، در مقابل گرایش دیگر ممکن است آدمی را به دنبال دل و در پی چشمش به گناه راهنمون شود. برای متخلف همیشه امکان توبه یا تشووا (برگشت)^۶ که او را به طرف رابطه‌ای درست با خدا بر می‌گرداند وجود دارد. توبه حقیقی، می‌تواند به تبدیل گناهان پیشین به اعمال عادلانه منجر شود.^۷

درهای تشووا همیشه باز دانسته شده و نوشته‌های اخلاقی و تقوی‌آموز محاسبه نفس صادقانه را تشویق می‌کنند تا یهودیان تأمل کنند که تا چه اندازه عمل آنان از فرمان الهی قصور دارد.^۸ برای نمونه، در کتاب مقدس^۱ فهرستی از فرمان‌های مختلف خداوند ارائه شده

۱. همان، ۱۳: ۱۳.

۲. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین یهود، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات نگارش، ۱۳۶۸ش، ص ۲۶۸.

3. Yetzer tov

4. Yetzer ha-ra

۵. میصوا: فرمان، و به طور کلی هر عمل دینی.

6. Teshuvah

۷. آنترمن، آلن، *باورها و آیین‌های یهودی*، ترجمهٔ رضا فرزین، چاپ اول، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان

ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵ش، ص ۵۵.

۸. همان، ص ۵۶.

شده که درباره موضوعات اخلاقی (شامل احترام به والدین، کمک کردن به فقرا، رعایت عدل و صداقت، و لطف و عطوفت به محرومان)، فقهی (مثل آداب روز شنبه، قربانی و مانند آن) و کلامی (از قبیل به بیهودگی نام پروردگار را بر زبان نیاوردن) است. از این رو، انسان می‌تواند با پیروی از این احکام به تقوی و پرهیزگاری مورد نظر دست یابد. به علاوه، فقط با اعمال بدنی آدمی می‌تواند میصواها را انجام دهد و از خطاهای گذشته توبه کند. بنابراین، بسیاری از پارسایی‌ها نوعی فوریت و ضرورت دارند. این فوریت و ضرورت به آدمی یادآور می‌شود که نمی‌توان در مسائلی که سرنوشت ابدی آدمی تأثیر می‌گذارد تعلل و تأخیر روا داشت.^۲ «زیرا خداوند هر عملی، چه خوب چه بد، حتی اگر در خفا انجام شود را به داوری می‌کشد».^۳ و به هر کس طبق اعمالش جزا داده می‌شود.^۴ بنابراین، اگر مفهوم میصوا و پاداش و مجازاتی را که لازمه آن هستند مبنا قرار دهیم، به معنای آن است که معتقد شده‌ایم رستگاری نه از ایمان، بلکه از عمل ناشی می‌شود.^۵

بنابر آنچه آمد، می‌توان دریافت سعادت فردی و اجتماعی، در پرتو عمل نیک و مقدس به دست می‌آید. به گفته مزامیر^۶ «از بدی اجتناب نما و نیکویی بکن؛ صلح را طلب نما و در پی آن بکوش. چشمان خداوند به سوی صالحان است و گوش‌های وی به سوی فریاد ایشان. روی خداوند به سوی بدکاران است تا ذکر ایشان را از زمین منقطع سازد».^۷ در جای دیگر آمده است: «صالحان وارث زمین خواهند شد و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود» و نیز^۸ «نور خدا بر مردمان صالح می‌تابد و شادمانی نصیب نیکوکاران می‌گردد». بدین گونه آموزه‌های اخلاقی نیز جوهره یهودیت است که البته در بخش‌های متأخر عهد عتیق بر آن بیشتر تأکید می‌شود: «رهنموده‌هایش طریق دوستی و محبت است و همه

۱. لاویان، ۱۹: ۲-۳۷.

۲. آترمن، آلن، ص ۵۶.

۳. جامعه، ۱۲: ۱۴.

۴. ارمیا، ۱۷: ۱۰.

۵. آترمن، آلن، ص ۵۸.

۶. مزامیر، ۳۴: ۱۴-۱۶.

۷. همان، ۳۷: ۲۹.

۸. همان، ۹۷: ۱۱.

راه‌هایش به صلح ختم می‌شوند.^۱ بخش‌های اصلی شریعت عهد عتیق شامل بسیاری از فرمان‌های اخلاقی مهم است و دعوت به امور اخلاقی، دغدغه اولیه و فرجامین پیامبران است که آشکارا بیان می‌کنند. برای مثال، میکاه می‌گوید: «با چه چیز باید به حضور یهوه حاضر شوم و در مقابل او سر فرود آوریم؟ آیا باید با آتش نیاز و گوساله‌های یک ساله نزد او بیایم؟ آیا یهوه از تقدیم هزارها قوچ و ده‌ها هزار نهر روغن خشنود خواهد شد؟ ای مرد از آن چه نیکوست و آنچه خداوند از تو انتظار دارد آگاه شده‌ای. او جز عمل به حقیقت و انصاف، سلوک با فروتنی در مقابل خدای خویش، وفای به عهد و میل به رحمت و نیکی چیز دیگری از تو نمی‌طلبد.^۲ به گفته ارمیا «مختون بودن کافی نیست؛ انسان باید در دل هم مختون باشد».^۳

کتاب اشعیا ی نبی باب ۵۷ در توجیه گمراهان عاصی و حق‌طلبان و راستان، قربانی و تقدیم هدایا را بی‌ثمر معرفی می‌کند. گفته شده است که آنها هرگز موجب تسلی خداوند نخواهد گردید و فقط عدالت و اعمال درست نجات‌بخش خواهند بود. باب ۵۸ اشعیا در وصف ایمان و تقوی، روزه و شعائری را که فقط برای حفظ ظاهر عمل می‌شود مورد استهزا قرار داده و از زبان یهوه می‌گوید: «آیا تو این را روزه می‌نامی؟ این است روزه‌ای که مورد پسند یهوه است؟ هرگز! مگر روزه‌ای که من می‌پسندم این نیست که زنجیرهای ناحق را بگسلید و بندهای یوغ را باز کنید و مظلومان را آزاد سازید و رانده و دربندشدگان را در خانه خویش پذیرایی کنید؟ اگر برهنه‌ای را می‌بینی او را بپوشانی و نان خود را به گرسنگان تقسیم کنی و از کمک به خویشان دریغ ننمایی؟ در این صورت، رحمت من مثل خورشید صبحگاهی بر تو خواهد درخشید، و زخم‌های تو زود شفا خواهد یافت. من همیشه با تو خواهم بود و تو را نجات خواهم داد، و حضور من تو را از هر جهت حمایت خواهد کرد. وقتی دعا کنی، به شما پاسخ خواهم داد، و وقتی مرا بخوانید، به شما جواب می‌دهم». بر این اساس، باید گفت: «در سراسر این دو فصل رضایت یهوه فقط در عدالت‌خواهی و عمل

۱. امثال، ۳: ۱۷.

۲. میکاه، ۶: ۶-۸.

۳. ارمیا، ۹: ۲۶.

صالح انسان توجیه می‌شود و کوچک‌ترین اشاره‌ای به تقدیم قربانی و هدایای دیگر نیست، بلکه به طوری که دیدیم آن‌ها را بی‌ثمر می‌نامد.^۱

عاموس نبی در فصل پنجم آیات ۲۱ الی ۲۷ از زبان یهوه می‌گوید: «من از عیدهایتان بیزارم و از محافل مذهبی شما نفرت دارم. قربانی‌های سوختنی و هدایای آردی شما را نمی‌پذیرم و به قربانی حیوانات چاقی که جهت شکرگزاری می‌آورید، توجّهی ندارم... به عوض، بگذارید که عدالت مثل آب و انصاف مانند نهری همیشه در جریان باشد. ای قوم اسرائیل، در مدت چهل سالی که در بیابان بودید، آیا برای من قربانی و هدیه می‌آوردید؟ هرگز!» همچنین، هوشع نیز این قربانی‌ها را بی‌خاصیت و حتی شرربار توصیف می‌کند. یهوه می‌گوید: «من رحمت و محبت را می‌پسندم نه قربانی. من خواهان هدایای سوختنی شما نیستم، بلکه از شما توقع دارم که مرا بشناسید».^۲ از عهد عتیق، به ویژه کتب متأخر آن می‌توان نتیجه گرفت که این شعائر به طور یقین ورای معنای ظاهری، دارای معنای باطنی نیز هستند که لب کلام دین است و گرنه چگونه ممکن بود همه انبیاء مهم یهوه به این صراحت آنها را نفی کنند؟ بنابراین مقصود عمل بیشتر نیست، بلکه عمل بهتر و نیکو است. به عبارت دیگر، «بهشت و جهنم در خود ماست و باید نیکی را به خاطر نیکی انجام داد».^۳ از همین رو، خداوند دوست دارد که هر کارگزاری که کار می‌کند، نیکو کار کند؛ خداوند، در هر کاری، نیک انجام دادن آن را فرمان داده است که این البته معنا و مقصود احسان و نیکوکاری است.

۳. احسان و نیکوکاری در عهد عتیق

قانون موسوی احسان و نیکوکاری را یکی از پایه‌های اساسی انسانیت می‌شناسد. احسان و نیکوکاری منحصر در نوع خاصی نبوده و حد و مرز نمی‌شناسد و از همان محیط کوچک خانواده تا محیط گسترده جامعه قابل اجرا است و همه حوزه‌های زندگی از عواطف، گفتار و رفتار را شامل می‌شود. در اخلاق کتاب مقدس همواره خدا از کارهای بدکاران متنفر

۱. آشتیانی، جلال‌الدین، ص ۲۸۷.

۲. هوشع، ۶: ۶.

۳. آشتیانی، جلال‌الدین، ص ۲۶۷.

است، اما پیروان راستی را دوست می‌دارد.^۱ از همین روی، نور خدا بر مردمان صالح می‌تابد و شادمانی نصیب نیکوکاران می‌گردد.^۲

از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی کتاب مقدس می‌توان از احسان به والدین، احسان به سالمندان و بیوه زنان، احسان به معلولین و ناتوانان جسمی، احسان به هم‌نوع و همسایه، احسان به بیگانگان و غریبان، احسان به یتیمان و مستمندان، و احسان به کارگران و بردگان نام برد:

۳. ۱. احسان به والدین

از شعارهای بنیادین دین یهود این است که: عشق به خداوند بدون عشق به هم‌نوعان کامل نیست. این اصل در مورد احترام به والدین که درست در مرحله‌ای پایین‌تر از عشق به خداوند قرار داده شده،^۳ نیز به کار می‌رود. عهد عتیق بر احسان و نیکی نسبت به برخی از افراد جامعه که نیازمند توجه بیشتری هستند، تأکید می‌کند؛ از جمله کسانی که احسان در حق آنان مورد تأکید و ترغیب قرار گرفته، احسان و نیکی به والدین است. در عهد عتیق پس از توحید و اعتقاد به وحدانیت خداوند از مردم خواسته شده که در حق پدر و مادر احسان کنند. بنابراین نمی‌توان از ایمان و توحید به خدا سخن گفت درحالی که در حق پدر و مادر نیکی نکرد. در لاویان آمده است که: «به پدر و مادرتان احترام بگذارید و مقررات سبب مرا رعایت نمایید، زیرا من خداوند خدای شما هستم».^۴

۱. امثال، ۹: ۱۵.

۲. مزامیر، ۹۷: ۱۱.

۳. قرآن کریم نیز این دستور عهد عتیق را اشاره و نقل کرده است: وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ (بقره)، یعنی: و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید آنگاه جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید.

۴. یتس، کایل و دیگران، جهان مذهبی: ادیان در جوامع امروز، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش، ص ۶۴۲.

۵. لاویان، ۱۹: ۳.

از جمله وظایفی که در قبال پدر و مادر وجود دارد عبارت است از: مخالفت نکردن با نظر آنان، صدا نزدن ایشان با نام کوچک، خجالت زده نکردن آنان آنگاه که با بچه‌های خود در ملأعام بدرفتاری می‌کنند و عصبانی نشدن از آن‌ها. همچنین باید فرزندان خوراک و پوشاک پدر و مادر خویش را فراهم کنند، وقتی که آنان وارد می‌شوند به پا خیزند، و از آنان حتی پس از مرگ به احترام یاد کنند. اگر کهولت والدین مانع از آن است که فرزند بتواند از ایشان مراقبت کند و خود شخصاً غمخوار آنان شود، می‌تواند آن‌ها را ترک گوید اما باید از کسان دیگری بخواهد که مراقب آنان باشند.^۱

شناخته‌شده‌ترین آموزه‌های اخلاقی کتاب مقدس یعنی «ده فرمان»، که تاریخ آن را برخی بین سده‌های ۱۶ تا ۱۳ پیش از میلاد و گروهی مربوط به پس از ۷۵۰ ق و یا ادوار بعد دانسته‌اند؛^۲ در سفر خروج^۳ و تثنیه^۴ آمده است. از این ده حکم مجزا، دست‌کم شش مورد آن مستقیماً دارای محتوا و اهمیت اخلاقی است: الف. به پدر و مادرت احترام نما؛ ب. قتل نکن؛ ج. زنا نکن؛ د. دزدی نکن؛ هـ. علیه هم‌نوع خود شهادت دروغ نده؛ و. به اموال نزدیکانت طمع نداشته باش. اما چهار فرمان باقی‌مانده (من پروردگار و خدای شما هستم...؛ تنها خدای یگانه باید پرستیده شود؛ هیچ‌گاه نام خدا را بیهوده و عبث به کار نبرید؛ مراسم روز شنبه را به‌پادارید) بیشتر به موضوعات کلامی و عبادی مربوط است. بسیاری از قوانین تورات در گروه اول قرار می‌گیرند که براساس آن، عبادت خداوند در گرو داشتن روابط محترمانه، انسانی و اخلاقی با هم‌نوعان است.

بنابر آنچه اشاره شد، از جمله این احکام احسان و احترام به والدین است که به گفته کتاب مقدس سبب طولانی شدن عمر نیز می‌شود: «پدر و مادر خود را احترام کن تا عمر تو در سرزمینی که به تو می‌دهم طولانی شود».^۵ به هر حال، انسان باید فرزندی درستکار و

۱. آترمن، آلن، ص ۲۴۸.

2. Doniger, Wendy (ed.), *Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, Merriam-Webster incorporated, 1999, p.1083.

۳. خروج، ۲۰: ۱۷-۲.

۴. تثنیه، ۵: ۶-۲۱.

۵. خروج، ۲۰: ۱۲؛ و نک: تثنیه، ۵: ۱۶.

دانا باشد تا باعث خوشی و خشنودی پدر و مادر شود.^۱ زیرا «فرزند احمق مایه غم و اندوه پدر و تلخ‌کامی مادر است».^۲

در بینش و نگرش عهد عتیق، هم و غم انسان باید این باشد که به نصیحت‌های پدر توجه کند و تعالیم مادر را فراموش نکند.^۳ به علاوه، باید هر امر و خواسته‌ای که پدر و مادر دارند انجام دهد و سخنان آنان را پیوسته به خاطر داشته باشد و بر گوش خویش بیاویزد. تعالیم آن‌ها هنگام سفر راهنما، شب‌ها محافظ، و روزها مشاور انسان خواهد بود. اوامر پدر و مادر مانند چراغی روشن است و سرزنش‌های ایشان طریق زندگی را به انسان می‌آموزد.^۴ کسی که به خدا ایمان دارد باید به احسان به پدر و مادر بیاورد و در این راه هیچ کوتاهی نکند.

از نظر عهد عتیق، کسانی که به والدین خود بی‌احترامی کنند، مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرند.^۵ گذشته از این، هر کس با پدر خود بدرفتاری کند و یا مادر خود را از خانه بیرون کند، ننگ و رسوایی به بار می‌آورد.^۶ و نیز: «کسی که پدر خود را مسخره و مادر خود را تحقیر کند، زاغ‌ها چشمانش را از کاسه بیرون می‌آورند و لاشخورها بدنش را می‌خورند»^۷ و «هر کس که پدر یا مادر خود را بزند، باید کشته شود».^۸ در ضمن، عهد عتیق توصیه می‌کند که: «به نصیحت پدرت که تو را به وجود آورده است، گوش بده و مادرت را هنگامی که پیر می‌شود، خوار نشمار».^۹ در این آیه به نظر می‌رسد مادر حق ویژه‌ای دارد و احسان و نیکی به او مقدم است.

۱. امثال، ۲۳: ۲۴.

۲. همان، ۱۷: ۲۵.

۳. همان، ۱: ۸.

۴. امثال، ۶: ۲۰.

۵. تنبیه، ۲۷: ۱۶.

۶. امثال، ۱۹: ۲۶.

۷. همان، ۳۰: ۱۷.

۸. خروج، ۲۱: ۱۵.

۹. امثال، ۲۳: ۲۲. همچنین فقره مذکور یادآور آیه ۲۳ سوره اسراء است: وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِلَٰهَهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْءٌ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا «و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر

فرزند حتی پس از فوت پدر و مادر، همچنان وظیفه‌ای اخلاقی در قبال آن‌ها دارد. باید پس از مرگ آن‌ها دین آنها را ادا کند و برای آنان استغفار نماید، وظیفه‌ای که در قبال مرگ پدر و مادر وجود دارد این است که فرزند مسؤلیت دارد از نحوه مناسب دفن والدین خویش مطمئن گردد، و مخارج مراسم خاکسپاری را بپردازد.^۱ در مورد مرگ پدر یا مادر سوگواری به مدت یک سال کامل به طول می‌انجامد، اما البته پس از دو یا سه ماه که عزادار سر و وضع نامناسبی پیدا می‌کند می‌تواند موی خویش را کوتاه کند.^۲

۲.۳. احسان به سالمندان و بیوه‌زنان

یهودیت دینی تاریخ‌گراست و به سنت‌ها سخت پیوند خورده است، از این رو، در این دین پیران از عوامل مهم حفظ و انتقال میراث گذشته به شمار می‌آیند. کتاب مقدس کلمه زاقن، به معنای «پیر» را برای حکیم به کار می‌برد؛ زاقن رهبر طبیعی جامعه محسوب می‌شد و به او بسیار احترام می‌گذاشتند.^۳

اشعیای نبی از جمله پیامبرانی است که به قوم یهود انذار می‌دهد که چون قوم تهر کرده و همه به حقوق یکدیگر تجاوز و جوانان به پیران بی‌احترامی کنند و فرومایگان نسبت به بزرگان خود بی‌ادب شوند، روز خداوند نزدیک خواهد بود و قوم دچار عذاب خواهند شد.^۴ از جمله آموزه‌های اخلاقی عهد عتیق، احترام به خادمان جامعه و سالمندان و عالمان دینی است. همان گونه که فرزند باید حرمت پدر و مادر خود را نگاه دارد، افراد جامعه نیز باید بزرگان خادم خود را محترم شمارند. به گفته کتاب مقدس «بزرگ قوم خود را ناسزا مگو»^۵ و «از پیش پای ریش سفیدان برخیز و به پیران احترام بگذار»^۶ و به بیانی دیگر،

دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آن‌ها [حتی] اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی.»

۱. آترمن، آلن، ص ۲۴۸.

۲. همان، ص ۲۵۲.

۳. همان، ص ۲۴۷.

۴. اشعیاء، ۳ : ۵.

۵. خروج، ۲۲ : ۲۸.

۶. لاویان، ۱۹ : ۳۲.

«ریش سفیدان را محترم شمارید».^۱ ناگفته نماند که بعد از این آیات عبارت «من یهوه هستم» ذکر می‌شود. تفاسیر سنتی یهود، همواره عبارت «من یهوه هستم» را مهم تلقی می‌کنند، این عبارت تأکیدی است بر تکلیفی خاص، و توضیح آن که اگرچه ممکن است کسی نباشد که قانون حفظ ضعیف یا پیر را به مرحله عمل درآورد، ولی خدایی هست که تو را به دل ملزم می‌سازد. البته از فرمان «پیش پای موی سپیدان بلند شو و به پیران احترام بگذار» چنین فهمیده شده است که پیران ۷۰ سال به بالا، خواه دانشمند باشند یا نباشند، شایسته احترام یاد شده هستند. گذشته از تکلیف عمومی احترام گزاردن به پیران، میصوای خاصی نیز بر عهده کودکان است که باید والدین خویش را احترام کنند و از آنان بترسند. مطابق برخی نظریات این احترام باید پدربزرگ و مادربزرگ را نیز، هر چند به درجه‌ای کمتر، در برگیرد.^۲

از دیگر سو، در موضوع احسان به سالمندان و سالخوردهگان، عهد عتیق توجه خاصی به جایگاه بسیار ضعیف بیوه‌زنان و ایفای حقوق آنها دارد: «من، خداوند، به شما دستور می‌دهم از روی عدالت و راستی رفتار کنید و با بیوه‌زنان بدرفتاری و ظلم نکنید».^۳ «نیکوکاری را بیاموزید و از بیوه زنان حمایت کنید».^۴ در عین حال، در مورد عقوبت ظلم و ستم بر بیوه زنان گفته شده است که: «حق بیوه زنان را پایمال نکنید؛ چون این کار موجب نابودی شما خواهد شد».^۵ به بیانی دیگر، «بر بیوه زن یا یتیم ظلم مکنید و هر گاه بر او ظلم کردی، و او نزد من فریاد برآورد، البته فریاد او را مستجاب خواهم نمود و خشم من مشتعل شود، و شما را به شمشیر خواهم کشت، و زنان شما بیوه شوند و پسران شما یتیم».^۶ از همین روی، خداوند همواره خود را حامی و تکیه‌گاه بیوه‌زنان معرفی می‌کند: «خداوند خانه مردم متکبر را ویران می‌کند، اما از دارایی بیوه‌زنان حفاظت می‌نماید».^۷ «بیوه

۱. همان، ۱۹: ۱۵.

۲. آترمن، آلن، ص ۲۴۸.

۳. ارمیا، ۲۲: ۳؛ و نک: زکریا، ۷: ۱۰.

۴. اشعیا، ۱: ۱۷.

۵. ارمیا، ۷: ۶.

۶. خروج، ۲۲: ۲۲-۲۴.

۷. امثال، ۱۵: ۲۵.

زنان شما می‌توانند به من متکی باشند».^۱ «زیرا خداوند از بیوه زنان مراقبت می‌نماید».^۲ و همواره دادرسی بیوه زنان است.^۳ بر این اساس، کسانی که در مورد بیوه زنان بی‌عدالتی می‌کنند، مورد لعن خداوند قرار خواهند گرفت.^۴ در هر حال، عهد عتیق اهتمام ویژه‌ای در رسیدگی به امور زنان سالخورده و زنان بیوه داشته است و از پیروان خود خواسته که املاک بیوه زنان را صاحب نشوند؛^۵ و لباس بیوه‌زنان را در مقابل قرضی که به ایشان می‌دهند، گرو گرو نگیرند.^۶ با این همه، به این مقدار اکتفا نمی‌کند و سهم و بهره‌ای از ده درصد محصول زمین را برای بیوه‌زنان مقرر می‌کند.^۷

۳.۳. احسان به معلولین و ناتوانان جسمی

درست است انسانی که دچار آسیب، معلولیت و ناتوانایی طبیعی شده است، سختی‌هایی پیش‌رو دارد، اما باید بداند که اگر کر و لال یا کور آفریده شده است، خواست و اراده خداست^۸ و از آنجا که در دین موسی، همه انسان‌ها دارای حقوق مشخص هستند، کمک و احسان به معلولین نیز حائز اهمیت بسیار است. در حالی که برخی از اقوام، در زمان حضرت موسی، نوزادان ناقص‌العضو را هلاک می‌کردند و برای آنانی که کاستی جسمانی داشتند، هیچ حقوقی قائل نبودند، حضرت موسی در آن دوران کهن، فرمان می‌دهد: «به اشخاص کر، دشنام ندهید و پیش پای مردمان کور، سنگ لغزش نیندازید، بلکه از من

۱. ارمیا، ۴۹ : ۱۱.

۲. مزامیر، ۱۴۶ : ۹.

۳. همان، ۶۸ : ۵.

۴. تثنیه، ۲۷ : ۱۹.

۵. اشعیا، ۱۰ : ۲.

۶. تثنیه، ۲۴ : ۱۷.

۷. همان، ۲۶ : ۱۳.

۸. خروج، ۴ : ۱۱.

بترسید، زیرا من خداوند خدای شما هستم»^۱ و همچنین «ملعون باد کسی که کوری را از راه منحرف سازد»^۲.

طبق دستورات عهد عتیق، جامعه باید نگهدار و نگهبان کم‌توانان باشد و نباید ناشنوا هدف دشنام‌گوئی قرار گیرد و نباید نابینایان مورد ظلم و ستم قرار گیرند و در دفاع از خود بازمانند. چنین امری علاوه بر مفهوم ظاهری، معانی عمیق‌تری نیز در بردارد؛ همانند آنکه، اگر کسی انسان بی‌تجربه‌ای را به راهی دشوار می‌خواند، همانند آن کسی است که سنگ را از سر راه نابینا برنمی‌دارد. سرانجام باید گفت، خداوند به معلولین و ناتوانان بشارت می‌دهد که در روز موعود، کورها را بینا می‌سازد، و افتادگان را بر می‌خیزاند.^۳ در آن روز، چشمان کوران باز خواهد شد و گوش‌های کران مفتوح خواهد گردید. آن‌گاه لنگان مثل آهو جست‌وخیز خواهند نمود، و زبان گنگ خواهد سرایید؛^۴ «مردمان لنگ را نجات می‌دهم می‌دهم و ننگشان را به عزت و افتخار تبدیل می‌کنم و آن وقت تمام دنیا آنها را تحسین می‌کنند»^۵.

۳. ۴. احسان به هموعان و همسایگان

یکی از مهم‌ترین بخش‌های کتاب مقدس دربارهٔ دوست داشتن و محبت به همسایه، سفر لاویان فصل ۱۹ آیات ۱۸-۱۱ است: «به هموع(همسایه) خود دروغ نگویند. به هموعت ستم نکن و به حق او تجاوز منما. درباره هموع خود به انصاف و عدالت داوری کن. اگر جان هموعت را در خطر دیدی بیکار نایست. هموعت را در دل دشمن ندار، و هموعت را حتماً نصیحت کن تا به خاطر او خطاکار نشوی. هموعت را مانند خودت دوست بدار و محبت نما». در حقیقت، عهد عتیق، حتی بخش‌های قدیمی‌تر آن، از شخص می‌خواهد که دوستدار هموع باشد و قلب را سرشار از احسان به هموع کند. نه تنها نباید به برادر و هموع خود ناسزا گفت، بلکه حتی «در دل» نیز نباید کینه نسبت به او را راه داد. در این‌جا

۱. لاویان، ۱۹: ۱۴.

۲. تثنیه، ۲۷: ۱۸.

۳. مزامیر، ۱۴۶: ۸.

۴. اشعیا، ۳۵: ۵-۶.

۵. صفینا، ۳: ۱۹.

برای تبیین این نکته، به نظریه اریک فروم اشاره می‌کنیم که معتقد است تعلیمات اساسی تمام ادیان بزرگ انسان‌گرا را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: هدف آدمی غلبه بر خودشیفتگی خویش است. این هدف در احادیث عبری نیز با کلامی متفاوت بیان شده است که آن نیز به معنای غلبه بر خودشیفتگی است. عهد عتیق می‌گوید: همسایه‌ات را مثل خود محبت نما، در این جا مراد آن است که شخص دست‌کم چنان بر خودشیفتگی‌اش غلبه یابد که همسایه‌اش را چون خودش «محبت» نماید.^۱ این هدف پرورش روان که با اصطلاح روان‌شناسی بیان شده است، در اصل همان است که پیشوایان بزرگ روحانی نوع بشر با کلام دینی - روحانی آن را بیان داشته‌اند. با آن‌که این مفاهیم متفاوتند، اما جوهر و تجربه نهفته در آنها یکی است.^۲

به هر حال، در عهد عتیق برای حفظ حریم همسایه گفته شده است که: «علیه همسایه خود شهادت دروغ مده. به خانه همسایه خود طمع مکن. به زنش، غلامش، کنیزش، گاو، الاغش و هر چیزی که مال همسایه‌ات می‌باشد طمع نداشته باش»^۳ و در عبارتی دیگر: «کسی که همسایه خود را حقیر شمارد ناقص العقل می‌باشد».^۴ بدین سان، در اخلاقیات یهودی، توهین و بی‌حرمتی به هم‌نوع و حتی تهدید هم‌نوع هرچند جنبه عملی به خود نگیرد، و در حد طمع باقی بماند، نیز نوعی بی‌حرمتی و رذالت اخلاقی شناخته می‌شود.

همچنین در کتاب مقدس آمده است که: «احسان را از اهلش باز مدار، هر وقت که از دستت بر می‌آید. اگر می‌توانی اکنون به همسایه‌ات کمک کنی، به او نگو برو و فردا بیا. بر همسایه‌ات قصد بدی مکن، هنگامی که او نزد تو در امنیت ساکن است».^۵ و نیز «اگر ردای همسایه خود را به عنوان گرو گرفتید، قبل از غروب آفتاب آن را به او پس بدهید. چون که این تنها ردایی است که او خود را با آن گرم می‌کند و با آن می‌خوابد. اگر او نزد من دعا و

۱. فروم، اریک، دل آدمی و گرایشش به خیر و شر، ترجمه گیتی خوشدل، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات

پیکان، ۱۳۸۷ش، صص ۱۰۴-۱۰۵.

۲. همان، ص ۱۰۶.

۳. خروج، ۱۶:۲۰-۱۷.

۴. امثال، ۱۱:۱۲.

۵. همان، ۳: ۲۷-۲۹.

زاری کند، دعای او را مستجاب خواهم کرد».^۱ باری، عشق به خداوند بدون عشق به ممنوع کامل نیست؛ این هدف، در یوم کیپور یا روز فدیة آشکارا دیده می‌شود. یوم کیپور نقطه اوج فرایند توبه و درخواست آمرزش خدا است. اما از آنجا که اعتقاد بر آن است که خدا فقط در صورتی می‌تواند گناہانی را که آدمی به زیان دیگران انجام داده است ببخشد که فرد خسارت دیده، زیان رساننده خود را ببخشد، گناهکار باید پیش از یوم کیپور بخشش ممنوع خود را به دست آورد. رسم است که یهودیان نزد کسانی که به آنان بدی کرده‌اند می‌روند و می‌کوشند آنان را راضی کنند، و این کوشش مصالحه‌جویانه تا سه بار ادامه می‌یابد.^۲

با این همه، نباید از نظر دور داشت که آیا کلمه «ممنوع» شامل غیریهودیان نیز می‌شود یا نه؟ این مطلب صحیح است که در تفسیر کلمه ممنوع که در قوانین تورات بدان اشاره شده است، تلمود بارها توضیح می‌دهد که مقصود از ممنوع، یهودیان است و نه کافران و بت‌پرستان؛ اما این توضیح برای آن است که مطالب کتاب مقدس در برخی از موارد باید فهمیده و توجیه شود. به هر حال، چه از روی اصول منطق و چه حقاً و انصافاً نمی‌توان از این نکته استنباط کرد که دانشمندان یهود به کار بردن و رعایت اصول اخلاقی را فقط درباره هم‌کیشان خود توصیه کرده‌اند. از مطالعه و بررسی بی‌طرفانه ادبیات تلمود چنین برمی‌آید که به طور کلی نظریه دانشمندان یهود درباره اخلاقیات جنبه همگانی و جهانی دارد و تنها معطوف به افراد ملت آنها نیست.

۳.۵. احسان به یتیمان و مستمندان

در تورات یتیمان نیز فراموش نشده‌اند و به آنها نیز توجه شده است: «بر یتیم ظلم نکنید و هر گاه بر او ظلم کردی، و او نزد من فریاد برآورد، البته فریاد او را مستجاب خواهم فرمود».^۳ طبق کتاب مقدس، انسان باید همواره احسان و نیکوکاری را بیاموزد و خواهان اجرای عدالت باشد و این در حالی ممکن است که به ستمدیدگان کمک کند و به داد

۱. خروج، ۲۲: ۲۶-۲۷.

۲. آترمن، آلن، ص ۲۷۱.

۳. خروج، ۲۲: ۲۲.

یتیمان برسد.^۱ اساساً، خداوند خود را حامی و پدر یتیمان می‌داند^۲ و اوست که به داد یتیمان می‌رسد^۳ و از یتیمان مراقبت می‌کند.^۴ گذشته از این، پیامبران نیز خود را حامی و تکیه گاه یتیمان به شمار می‌آوردند و با آنان با احسان و نیکوکاری رفتار می‌کردند.^۵ بر این اساس، از مردم خواسته شده که از روی عدالت و راستی رفتار کنند و با یتیمان بدرفتاری و ظلم نکنند^۶ و آنان را از حقوقشان محروم نسازند؛^۷ و همچنین، اجازه ندهند حق یتیمان پایمال گردد.^۸

از دیگر مصادیق احسان، دستگیری از فقرا و مستمندان است. در *تورات* گفته شده است که خوشا به حال کسانی که در اندیشه فقرا هستند، زیرا خداوند آنان را هنگام سختی نجات خواهد داد.^۹ اساساً، اگر به فقرا کمک کنی، هرگز محتاج نمی‌شوی، اما اگر روی خود خود را از آن‌ها برگردانی، مورد لعنت قرار می‌گیری.^{۱۰} کمک به فقرا موجب عاقبت به خیری است؛^{۱۱} زیرا بر طبق کتاب مقدس کسی که به فقرا ظلم می‌کند، به آفریننده آن‌ها اهانت کرده است و هر که به مردم مسکین ترحم می‌کند، خدا را احترام کرده است.^{۱۲}

بدین سان، گفته شده است که: «اگر گرسنگان را سیر کنید و نیاز محتاجان را برآورید، آن وقت تیرگی‌های اطراف شما به روشنایی نیمروز مبدل خواهد شد، در آن صورت، همیشه شما را در مکان‌های خشک هدایت می‌کنم و شما را با چیزهای نیکو سیر خواهم کرد. من شما را قوی و سالم نگاه خواهم داشت و شما مثل باغی خواهید بود که آب

۱. اشعیا، ۱: ۱۷.

۲. مزامیر، ۶۸: ۵.

۳. تثنیه، ۱۰: ۱۸.

۴. مزامیر، ۱۴۶: ۹.

۵. نک: ارمیا، ۴۹: ۱۱.

۶. همان، ۲۲: ۳.

۷. تثنیه، ۲۴: ۱۷.

۸. ارمیا، ۷: ۶.

۹. مزامیر، ۴۱: ۱.

۱۰. امثال، ۲۸: ۲۷.

۱۱. نک: دانیال، ۴: ۲۷.

۱۲. امثال، ۱۴: ۳۱.

فراوان دارد، و مثل چشمه‌ای که هیچ وقت خشک نخواهد شد.^۱ خداوند خود مظلومان را دادرسی می‌کند و گرسنگان را نان می‌بخشد^۲ و مسکینان را با انصاف رهبری خواهد کرد.^۳ بر حسب تعالیم عهد عتیق، انسان باید از فقیران و مستمندان دستگیری کند تا این حد که مسکینی باقی نماند: «تا این که در میان تو مسکین نباشد»^۴ و «هر وقت که از دست برمی‌آید، از احسان کردن به محتاجان کوتاهی مکن».^۵

در تفکر یهودی، احسان و توجه به کسانی که از ثروت و نعمت کمتری برخوردارند، صرفاً کاری خیرخواهانه و از روی نوع‌دوستی نبوده، بلکه اقدامی عدالت‌خواهانه است. حقوق افراد فقیر در ارتباط با غذا، سرپناه و لباس در دین یهودی به یک ادعای حقوقی علیه ثروتمندان تبدیل می‌شود.^۶ از این‌روی، کتاب مقدس مردم را به احسان و کمک مالی به مستمندان و فقیران تشویق می‌کند و تأکید می‌کند که این احسان باید بدون هیچ چشم‌داشتی صورت گیرد. در این خصوص، در مورد لزوم قرض دادن به فقرا آمده است که: «هر گاه یکی از برادرانت فقیر باشد دلت را بر برادر مسکینت سخت نکن و دستت را نبند؛ بلکه حتماً دستت را برای او باز کن، حتماً به اندازه نیازش، آن چه را کسر دارد به او قرض بده».^۷ در عین حال گفته شده است که، هرگاه یکی از اسرائیلیان همسایه تو فقیر و تنگدست شود، به او کمک نما. تو باید از او همانند کارگران خودت حمایت کنی تا بتواند در میان شما زندگی کند. از او سودی نگیر، بلکه از خدای خود بترس و اجازه بده که با تو زندگی کند. از پولی که به او قرض می‌دهی، سود نگیر و چون به او غذا می‌دهی، توقع فایده نداشته باش.^۸ در ضمن، گرویی فرد فقیر را آنگاه که به آن نیاز دارد، نباید نزد خود

۱. اشعیا، ۵۸: ۱۰-۱۱.

۲. مزامیر، ۱۴۶: ۷-۸.

۳. همان، ۲۵: ۹-۱۰.

۴. تثنیه، ۱۵: ۴.

۵. امثال، ۳: ۲۷.

۶. یتس، کایل و دیگران، ص ۶۴۲.

۷. تثنیه، ۱۵: ۷-۸.

۸. لاویان، ۲۵: ۳۵-۳۷؛ نک: خروج، ۲۲: ۲۵.

نگه داشت.^۱ بنا بر ملاحظات فوق، در هر حال، باید فقیران را مورد حمایت و احسان مالی و عاطفی قرار گیرد و اگر پولی به آنها قرض داده شود، نباید انتظار بهره و سود داشت و اگر گرویی از آنان گرفته می‌شود، نباید بدان دل بست.

در عین حال، تلمود همین قانون‌گذاری را ادامه داده است و وسایل جمع‌آوری غذا و پول برای فقرا را مشخص می‌سازد. ابن میمون، در نشان دادن اهمیت این مطلب در جامعه یهودی قرون وسطی، در کتاب میسنه تورات^۲ ده فصل را به ضرورت کمک به فقرا و نیازمندان، اختصاص می‌دهد.^۳

۳.۶. احسان به کارگران و بردگان

در کتاب مقدس بر احسان به کارگران و بندگان نیز تأکید شده است، از جمله آمده است: «برده‌ای که از نزد اربابش گریخته و به تو پناه آورده، به آقایش مسپار و با او غیرمنصفانه رفتار مکن».^۴ و نیز، «اگر کسی غلام یا کنیز خود را به عصا بزند، و او زیر دست او بمیرد، هر آینه انتقام او گرفته شود».^۵ «اگر کسی چشم غلام یا چشم کنیز خود را بزند که ضایع شود، او را به عوض چشمش آزاد کند و اگر دندان غلام یا دندان کنیز خود را بیندازد، او را به عوض دندانش آزاد کند».^۶ و «اگر گاو غلام یا کنیزی را بکشد، صاحبش باید سی تگه نقره به عنوان جریمه به صاحب غلام یا کنیز بپردازد و گاو را نیز سنگسار کنند».^۷

۱. تثنیه، ۲۴: ۱۲.

2. Mishneh Torah

۳. در عصر جدید نیز این احساس مسؤولیت اجتماعی را هنوز در فعالیت‌های انجمن «دعوت متحد یهودیان» یهودیان (United Jewish Appeal) و همچنین اقدامات «به نای به ریت» (B'nai B'rith)، که هر دو به مسائل و مشکلاتی حتی فراتر از علقه‌های یهودی‌گری پرداخته‌اند، ملاحظه می‌کنیم. نک: یس، کایل و دیگران، ص ۶۴۳.

۴. تثنیه، ۲۳: ۱۵-۱۶.

۵. خروج، ۲۱: ۲۰.

۶. همان، ۲۱: ۲۶-۲۷.

۷. همان، ۲۱: ۳۲.

همچنین آمده است که، با غلام عبری بدرفتاری نکنید^۱ و او را نفروشید^۲ و با او بی رحمانه رفتار نکنید^۳ و نگذارید بی دینان با او بدرفتاری کنند.^۴ جالب توجه آن که ارباب موظف است هنگام آزادی، سرمایه‌ای نیز برای تشکیل زندگی جدید در اختیار برده‌اش قرار دهد: «آن‌گاه که یک غلام عبرانی آزاد می‌شود، مالک باید به او هدایایی عطا کند و نباید او را دست خالی روانه کند».^۵ در همین زمینه، گفته شده، زن اسیر را نفروشید و با او چون برده رفتار نکنید^۶ و اگر با او ازدواج کردید، غذا، لباس و حقوق زناشویی را از او دریغ ندارید.^۷

با این همه، گفته شده اگر کسی غلام یا کنیز خود را با عصا بزند به طوری که در همان وقت بمیرد، باید مجازات شود. ولی اگر یکی دو روز بعد بمیرد، نیازی به مجازات نیست؛ چون که آن غلام یا کنیز جزو دارایی او بوده و همین ضرر برای او کافی است.^۸ بنابراین، می‌توان گفت غلام یا کنیز دارای حقوق شخصی نیست و جزو مایملک ارباب خود به شمار می‌آید. فرد اسرائیلی نمی‌تواند بنده دائمی باشد، زیرا بنی اسرائیل بندگان خداوند هستند.^۹ اما در مورد برده بیگانه قواعد و قوانین تبعیض‌آمیزی وجود دارد: «اگر به برده نیاز دارید می‌توانید از اقوامی که در اطراف شما هستند، خریداری کنید. هم‌چنین می‌توانید فرزندان بیگانگانی را که در بین شما زندگی می‌کنند، حتی اگر در سرزمین شما به دنیا آمده باشند، بخرید. آن‌ها تا زنده هستند، غلام شما می‌باشند و می‌توانید آن‌ها را بعد از خود برای فرزندان‌تان واگذارید، اما شما نباید با اسرائیلی بدرفتاری کنید».^{۱۰}

۱. لاویان، ۲۵ : ۳۹.

۲. همان، ۲۵ : ۴۲.

۳. همان، ۲۵ : ۴۳.

۴. همان، ۲۵ : ۵۳.

۵. تثبیه، ۱۵ : ۱۳.

۶. همان، ۲۱ : ۱۴ و نک: خروج، ۲۱ : ۸.

۷. خروج، ۲۱ : ۱۰.

۸. همان، ۲۱ : ۲۰-۲۱.

۹. لاویان، ۲۵ : ۵۵.

۱۰. لاویان، ۲۵ : ۴۴-۴۶.

در عین حال، گفته شده است که اگر یکی از بیگانگانی که در بین شما زندگی می‌کند، ثروتمند شود و یکی از اسرائیلیان تنگدست گردد و خود را به آن بیگانه و یا نزدیکان او بفروشد، یکی از برادرانش یا عمویش یا پسر عمویش یا یکی از اقوام نزدیکش می‌تواند او را بازخرید کند. اگر خودش پول کافی به دست آورد، می‌تواند خود را بازخرید کند.^۱

در تورات، علاوه بر رعایت حقوق بردگان و کنیزان، درباره کارگران و رعایت حقوق آنان، نیز سفارش شده است: «به کارگر روز مزد بینوا و نیازمند که به خدمت تو درآمده، چه هم‌کیش تو باشد و یا غریبی که درون دروازه‌های شهر تو زندگی می‌کند، ستم روا مدار، مزد او را همان روز پیش از غروب آفتاب پرداخت کن، زیرا که او تنگدست است و زندگیش بدان بستگی دارد».^۲ بنابراین، نباید پرداخت مزد کارگر روزمزد را به تأخیر انداخت و مزد کارگر را باید تا قبل از بامداد روز بعد پرداخت کرد.^۳

۳.۷. احکام و قوانین عام برای احسان و نیکوکاری

در مجموعه عهد عتیق قواعد و قوانینی آمده که مسیر احسان و نیکوکاری را برای همه مردم میسر می‌گرداند و در عین حال، این قوانین سبب رفع نیازهای افراد ناتوان و قشر آسیب دیده و ضعیف می‌شود. از جمله این قوانین، عشریه (ده یک) است. برای محصولات سرزمین اسرائیل مجموعه کاملی از قوانین وجود دارد که در اصل از دوران کتاب مقدس پیدا شده‌اند. یکی از مصادیق احسان و نیکوکاری ضرورت جدا کردن ده یک از محصول سرزمین مقدس است. ده یک‌ها، به کوهن (از نسل خاص کاهنان معبد) داده می‌شود، و یا اینکه آن را به فقرا می‌دهند یا به جای آن در سال‌های خاصی باید به اورشلیم فرستاده شود و در آنجا به مصرف برسد.^۴ در این خصوص، در کتاب مقدس گفته شده است که: «از تمام

۱. همان، ۲۵: ۴۷-۴۹.

۲. تثنیه، ۲۴: ۱۴-۱۵.

۳. نک: لاویان، ۱۹: ۱۳.

۴. آترمن، آلن، صص ۳۱۲-۳۱۳.

تمام محصولات زمین‌های خود هر ساله ده درصد را کنار بگذارید.^۱ «ده درصد محصول زمین، چه غله باشد چه میوه، به خداوند تعلق دارد».^۲

در ضمن، ده درصد گله و رمه نیز از آن خداوند است.^۳ در پایان هر سه سال باید ده درصد کل محصولات را در شهر جمع کرد.^۴ شایان ذکر این که ده درصد تمام محصولات برای لاویان، غریبان، یتیمان و بیوه زنان شهر است که بخورند و سیر شوند^۵ و خداوند نوعی احسان مادی (عشریه) برای غریبان، یتیمان و بیوه زنان معین کرده است که بتواند تاحدی نیازهای آنها را تأمین کند.

نباید از نظر دور داشت که بر اساس آموزه‌های عهد عتیق، لزوم اختصاص دادن گوشه‌ای از مزرعه برای برداشت محصول توسط غریبان، یتیمان و بیوه زنان به وضوح تأکید شده است. بدین بیان که، وقتی محصول زمین خود را درو می‌کنیم، نباید گوشه و کنار زمین را درو کنیم و خوشه‌هایی را که باقیمانده‌اند جمع کنیم، باید آنها را برای استفاده فقیر و غریب واگذاریم.^۶ وانگهی، اگر در وقت دروی محصول فراموش کنیم که دسته‌ای از محصول را از مزرعه ببریم، برای بردن آن نباید برگردیم؛ بلکه باید آن را برای غریبان و یتیمان و بیوه زنان باقی بگذاریم. هنگامی که محصول زیتون را از درخت می‌تکانیم، نباید چیزی را که باقی می‌ماند تکاند، بلکه آن را برای استفاده غریبان و یتیمان و بیوه زنان باید رها کرد. همچنین، وقتی انگور را یک بار از تاک چیدیم، بار دوم نباید برای چیدن آن رفت، بلکه باقیمانده آن را برای غریبان و یتیمان و بیوه‌زنان گذاشت تا از آن استفاده کنند.^۷

از جمله قوانین دیگر، قوانین سال هفتم زراعی (شمیطا) و سال پنجاهم (یوول) یا سال شباتی (سال استراحت و تعطیل زمین) است. کتاب مقدس دستور توقف کامل کارهای

۱. تثیبه، ۱۴: ۲۲.

۲. لاویان، ۲۷: ۳۰.

۳. لاویان، ۲۷: ۳۲.

۴. تثیبه، ۱۴: ۲۸.

۵. همان، ۲۶: ۱۳-۱۲؛ و نک: همان، ۱۴: ۲۹.

۶. لاویان، ۱۹: ۹-۱۰.

۷. نک: تثیبه، ۲۴: ۲۱-۱۹.

کشاورزی در این سال را داده است.^۱ بنا بر کتاب مقدس: «هر هفت سال بگذارید که زمین من استراحت کند. شش سال زمین‌های خود را کشت کنید، درختان انگور را هرس نمایید و محصولات خود را جمع کنید. اما در سال هفتم زمین را به خداوند وقف نمایید و در آن چیزی نکارید و هرس نکنید. نباتات خودرو را که در زمین شما می‌رویند درو نکنید و هم‌چنین انگور را از درختانی که هرس نشده‌اند برای خود نچینید. آن سال برای زمین، سال استراحت است.»^۲ بر این اساس، باید زمین را در سال هفتم به حال خود گذاشت و در آن زراعت نکرد برای این که فقرا از آن بخورند و آنچه را هم که از آنها باقی ماند، حیوانات صحرا بخورند.^۳

یکی از قوانین احسان و نیکوکاری مربوط به وام‌هایی است که به مردم نادار یا کم درآمد داده می‌شود، که مطالبه بازپرداخت قرض آنها پس از هفت سال حرام است و باید در سال هفتم وام‌ها را بخشید: «در پایان هر هفت سال، باید وام‌های بدهکاران خود را ببخشید. هرکسی که از همسایه اسرائیلی خود طلبی دارد، باید آن را ببخشد. او نباید وام خود را طلب کند، زیرا خود خداوند این قرض را لغو کرده است.»^۴ و در عین حال هشدار می‌دهد که: «مبادا دچار اندیشه فاسدی شوی و در دل بگویی، سال هفتم، سال بخشودگی نزدیک است و دیدگان را علیه نیازمندان برهم گذاری و از یاری به آن‌ها خودداری ورزی.»^۵ نباید نباید از نظر دور داشت که با وجود چنین قانونی، که در سال هفتم تمام قرض‌ها منفک می‌شود، اما قرضی را که به غیر یهودی و بیگانه داده شده می‌توان مطالبه کرد.^۶

از دیگر مصادیق احسان و نیکوکاری این است که در سال هفتم باید بردگان عبرانی را آزاد کرد، زیرا سال آزادی بردگان است: «اگر یک غلام عبرانی بخری، باید مدت شش سال برای تو خدمت کند و در سال هفتم بدون پرداخت چیزی آزاد شود. اگر موقعی که

۱. آترمن، آلن، ص ۳۱۳.

۲. لاویان، ۲۵: ۲-۵.

۳. خروج، ۲۳: ۱۱-۱۰.

۴. تثیبه، ۱۵: ۲-۱؛ و نک: همان، ۳۱: ۱۰؛ و نک: نحیما، ۱۰: ۳۱.

۵. تثیبه، ۱۵: ۹.

۶. همان، ۱۵: ۳.

غلام تو شد، مجرد بود، نباید موقع رفتن از نزد تو همسری با خود ببرد. اما اگر موقعی که غلام تو شد، متأهل بود، می‌تواند همسر خود را هم با خود ببرد»^۱.
از دیگر قوانین مرتبط، قوانین مربوط به سال پنجاهم است. در این سال زمین رها، محصولات کشاورزی برای استفاده عموم مباح، بردگان آزاد، زمین موروثی فروخته شده به صاحب اصلی زمین در بازگردانده می‌شود و فردی که به خاطر دزدی فروخته شده نیز در این سال آزاد می‌گردد.^۲

۳.۸. آموزه برگزیدگی و احسان به بیگانگان و غریبان

باور به این که بنی اسرائیل قوم برگزیده خداوند است، ویژگی ثابت اندیشه دینی یهود از زمان تدوین کتاب مقدس تاکنون بوده است.^۳ چنان‌که در غالب فرهنگ‌ها اصطلاحات قوم برگزیده^۴ و سرزمین برگزیده،^۵ مستقیماً یادآور قوم بنی اسرائیل و سرزمین اسرائیل است. در نظرگاه کتاب مقدس یهود قوم (نژاد، دین و سرزمین) برگزیده است: «زیرا که تو برای یهوه خدایت قوم مقدسی هستی، یهوه خدایت تو را برگزیده است تا از جمیع قوم‌هایی که بر روی زمین‌اند، قوم مخصوص برای خود او باشی».^۶ در تفسیر آموزه برگزیدگی و مبنا و لوازم و پیامدهای آن پنج تفسیر مهم در میان یهودیان وجود دارد:

۱. برگزیدگی به مثابه تفوق و برتری قوم یهود که از این تفسیر سه برداشت ارائه شده است؛

۲. برگزیدگی به مثابه تکلیف و مسؤولیت دینی؛

۳. برگزیدگی به مثابه سرّی از اسرار الاهی و یک امر ربانی و ملکوتی؛

۱. خروج، ۲۱: ۲-۳.

۲. نک: لاویان، ۲۵: ۸-۲۸.

3. Cohn-Sherbok, Dan, *Judaism: History, Belief, and Practice*, Routledge, 2003, p. 426.

4. Chosen People

5. Chosen Land

۶. تثنیه، ۷: ۶؛ و نک: لاویان، ۲۱: ۲۶. همچنین در باب بازتاب آموزه برگزیدگی قوم و سرزمین یهود در عهد

عهد عتیق بنگرید: مزامیر (۳۰-۳۷/ ۸۹) - اشعیا (۲۲-۲۱/ ۴۴) - هوشع (۳/۱) - ارمیا (۲۱/۲۷) -

پیدایش (۱۵/۱۸) - پیدایش (۱۷/۸) - خروج (۱۹/۵) - تثنیه (۱۹-۲۶/۱۸) - ارمیا (۱۶-۱۳/۹).

۴. برگزیدگی به مثابه حکم ازلی؛

۵. برگزیدگی به مثابه موهبت الاهی. دیدگاه متفکران یهودی نظیر فیلون، یهودا هلوی، اسپینوزا، موسی مندلسن، کاوفمان کهلر، مُردخای کاپلان و مارتین بوبر.^۱

البته شمول احسان و نیکوکاری حتی در اسفار خمسه نیز غیر یهود را در بر می‌گیرد: «بر شخص غریب ظلم منما».^۲ «شما هم به غریبان شفقت نشان بدهید، زیرا شما نیز در سرزمین مصر غریب بودید».^۳ «غریب را اذیت مرسانید و بر او ظلم مکنید».^۴

در واقع، عهد عتیق از عشق و نیکی به هم‌نوع هم فراتر می‌رود و عشق را برای «غریب» هم می‌طلبد. از نظر اریک فروم «غریب دقیقاً کسی است که جزئی از طایفه من، خانواده من، ملت من؛ و جزئی از گروهی که بدان بستگی خودشیفته دارم نیست. او جز بشر نیست. در عشق به غریب، عشق خودشیفته از میان رفته است؛ زیرا عشق به غریب یعنی عشق ورزیدن به انسانی دیگر به همان‌گونه که هست و با وجود تفاوتی که با من دارد، و نه چون شبیه من است».^۵

طبق گفته‌های کتاب مقدس، خداوند غریبان را دوست داشته، و خوراک و پوشاک به ایشان می‌دهد^۶ و غریبان را محافظت می‌کند^۷ و از ما می‌خواهد که از روی عدالت و راستی راستی رفتار کنیم و با غریبان بدرفتاری و ظلم نکنیم^۸ و حق آن‌ها را پایمال نکنیم؛^۹ و آنان

۱. برای تفصیل نظرات نک: گندمی، رضا، «اندیشه قوم برگزیده در یهودیت»، مجله هفت آسمان، تابستان

۱۳۸۴، شماره ۲۶، صص ۶۳-۱۰۲.

۲. خروج، ۲۳: ۹؛ و نک: همان، ۲۲: ۲۲.

۳. تثنیه، ۱۰: ۱۹.

۴. خروج، ۲۲: ۲۱.

۵. فروم، اریک، صص ۱۰۵-۱۰۶.

۶. تثنیه، ۱۰: ۱۸.

۷. مزامیر، ۱۴۶: ۹.

۸. ارمیا، ۲۲: ۳.

۹. همان، ۷: ۶.

را از حقوقشان محروم نکنیم.^۱ با این همه، به داده‌های پیش‌گفته اکتفا نمی‌کند، و سهم و بهره‌ای از ده درصد محصول زمین را برای غریبان مقرر می‌کند.^۲

گذشته از این، کتاب مقدس در کنار شخص غریب، از طبقه بیگانگان^۳ نام می‌برد که برگردان واژه عبری «گوی»^۴ است و تا حدودی با واژه غریب همپوشانی و تجانس دارد، به نظر می‌رسد که این واژه بیشتر به معنای غیر یهودی استعمال شده است. در عین حال، از نظر کتاب مقدس، خداوند با همه انسان‌ها که از نسل فرزندان نوح هستند در رعایت برخی دستور بیگانگان عهد بسته است^۵ و غیر یهود نیز طبقه‌ای شایسته توجهند و باید از ارتکاب به هفت گناه، نظیر بت‌پرستی، کفر، قتل، دزدی، شهوت‌پرستی، اکل میته و ... خودداری کنند^۶ زیرا بنابر متن کتاب مقدس، رعایت مقررات و آداب شریعت یهودی برای کسی که خواه اسرائیلی باشد، خواه بیگانه، یکسان است و باید قوانین و احکام را به جا آورند و از ارتکاب کارهای زشت خودداری کنند^۷ و حتی بسیاری از قانون‌های عام و قوانین مجازات هم برای اسرائیلی‌ها و هم برای بیگانگان یکسان است.^۸

از سوی دیگر، گفته شده است که اگر یک شخص بیگانه در سرزمین شما زندگی می‌کند، به او آزار نرسانید و با او مثل یک اسرائیلی رفتار کنید و مثل جان خود دوستش بدارید، زیرا خود شما زمانی در سرزمین مصر بیگانه بودید^۹ و همچنین، به مردم بیگانه‌ای که در بین شما زندگی می‌کنند، ظلم نکنید و برای یکدیگر توطئه نچینید.^{۱۰}

۱. تثیبه، ۲۴: ۱۷.

۲. همان، ۲۶: ۱۲.

3. Gentiles

4. Goi

۵. پیدایش، ۹: ۱۷-۱.

۶. هینلز، جان آر، فرهنگ ادیان جهان، ترجمه گروه مترجمان، ویراستار ع. پاشایی، انتشارات دانشگاه ادیان

مذاهب، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶.

۷. لاویان، ۱۸: ۲۶ و نک: خروج، ۱۲: ۴۹.

۸. نک: لاویان، ۲۴: ۱۷-۲۲؛ اعداد، ۱۵: ۱۵؛ اعداد، ۱۵: ۲۹ و لاویان، ۲۰: ۲.

۹. لاویان، ۱۹: ۳۳-۳۴.

۱۰. زکریا، ۷: ۱۰.

«از بیگانگان سوء استفاده نکنید»^۱ و سرانجام اینکه: «کسی که در مورد بیگانگان بی‌عدالتی کند، مورد لعنت خداوند قرار خواهد گرفت»^۲.

با این همه، تبعیض میان یهودیان و بیگانگان در تورات یافت می‌شود. از آن جمله تقدیم کردن و ذبح کردن حیواناتی که از بیگانگان خریداری شده جایز نیست: «حیواناتی را که از بیگانگان می‌خرید، برای قربانی استفاده نکنید. این حیوانات ناقص به حساب می‌آیند و پذیرفته نمی‌شوند»^۳. در ضمن، اگر حیوانی به مرگ طبیعی مرده باشد، قوم اسرائیل نباید از آن بخورند، زیرا برای خداوند مقدس هستند بلکه آن را باید به بیگانگان بفروشند.^۴

مضافاً هیچ بیگانه‌ای نباید از غذای فصیح بخورد.^۵ ازدواج و آمیزش با بیگانگان نکوهیده و طرد شده است: «به بیگانگانی که در زمین ما زندگی می‌کنند دختر نمی‌دهیم و از ایشان دختر نخواهیم گرفت»^۶. و نیز آمده است: «اسرائیل با بیگانگان آمیزش کرده و مانند نان نیم‌پخته قابل خوردن نیست. آمیزش با اقوام بیگانه نیرویش را از بین برده است، اما خودش نمی‌داند. موی سرش سفید شده است، ولی او از آن بی‌خبر است»^۷. همچنین، بیگانگان حق ورود به معبد بزرگ را ندارند: «من خداوند متعال اعلام می‌کنم که هیچ بیگانه نامختونی، یعنی کسی که از من نافرمانی می‌کند، حتی بیگانگانی که در بین قوم من اسرائیل زندگی می‌کنند، وارد معبد بزرگ من نشوند»^۸.

بنابر آیات تورات، آدمربایی جرمی بزرگ و مستوجب اعدام است: «هر که آدمی را بدزدد و او را بفروشد یا در دستش یافت شود، هر آینه کشته شود»^۹. «اگر کسی یافت شود که یکی از برادران خود از بنی اسرائیل را دزدیده، بر او ظلم کند یا بفروشد، آن دزد کشته

۱. نک: حزقیال، ۲۲: ۲۹.

۲. تثنیه، ۲۷: ۱۹.

۳. لاویان، ۲۲: ۲۵.

۴. تثنیه، ۱۴: ۲۱.

۵. خروج، ۱۲: ۴۳.

۶. نحمیا، ۱۰: ۳۰.

۷. هوشع، ۷: ۸-۹.

۸. حزقیال، ۴۴: ۹.

۹. خروج، ۲۱: ۱۶.

شود.^۱ در این دو عبارت، تفاوت‌هایی به نظر می‌رسد: عبارت نخست حکمی کلی است، در حالی که عبارت دوم فقط محدود به اسرائیلیان است. باید به منظور سازش دادن و رفع این تعارضات همه نکات آیات را، عناصر ضروری برای این جرم دانست؛ یعنی جرم آدم ربایی در صورتی قابل تحقق است که همه عناصر فوق موجود باشد. بر این اساس بیگانگان مشمول این حکم نمی‌شوند.

اگر یک یهودی مالی پیدا کند و احتمال دهد که صاحب آن یک یهودی است، باید برای یافتن صاحب آن بکوشد، اما اگر صاحب آن، غیریهودی باشد می‌تواند آن را تصاحب کند.^۲ گذشته از این، فریب دادن یک یهودی در معامله، گناه کبیره است، اما در مورد غیریهودیان شرکت غیرمستقیم در چنین معامله‌ای روا است: «در معامله با بنی اسرائیل صادق باشید و از من که خداوند خدای شما هستم، اطاعت کنید».^۳

بر طبق تعالیم تورات، حرام است فرد یهودی به یهودی دیگر با بهره، قرض دهد^۴ و یا از او با بهره قرض بگیرد،^۵ و یا در پیمانی که در برگیرنده بهره است در جایگاه ضامن، شاهد یا نویسنده قرارداد شرکت کند.^۶ وانگهی، این منع‌ها و ممنوعیت‌ها شامل حال غیر یهودیان نمی‌شود و گرفتن بهره پول از غیریهودیان مجاز است: «اگر به یک بیگانه قرض بدهند می‌توانند از او سود بگیرند، ولی نه از یک اسرائیلی».^۷ و نکته دیگری که نباید از نظر نظر دور داشت این است که، اگر بیگانه‌ای از یهودیان قرض گرفته باشد، می‌تواند قرض خود را پس بگیرد؛ اما هرگاه کسی از قوم خودشان به آن‌ها مقروض باشد، نباید آن را مطالبه کند.^۸

۱. تثنیه، ۲۴: ۷.

۲. تثنیه، ۲۲: ۱-۳.

۳. لاویان، ۲۵: ۱۷.

۴. همان، ۲۵: ۳۷.

۵. تثنیه، ۲۳: ۱۹.

۶. خروج، ۲۲: ۲۵.

۷. تثنیه، ۲۳: ۲۰.

۸. همان، ۱۵: ۳.

به‌رغم آموزه‌های عهد عتیق نمونه‌های بسیاری از رویکرد نژادپرستانه یهودیان ارتدکس در تاریخ گزارش شده است. برخی پژوهندگان از جمله اسرائیل شاهاک معتقدند این نگرش برآمده از کتاب مقدس نیست، بلکه ناشی از تفاسیر تلمودی است، چنان که قاعده کلی تلمود این است که «غیریهودیان نه از چاه بیرون آورده می‌شوند و نه به داخل آن هل داده می‌شوند». ابن‌میمون (۱۲۰۴-۱۱۳۵م) می‌گوید: «ما نباید موجب مرگ کسانی شویم که با آنان در جنگ نیستیم، اما اگر آنان در معرض جنگ قرار داشته باشند نجاتشان ممنوع است. یک پزشک یهودی حق ندارد یک غیریهودی را مداوا کند و اگر مجبور به چنین کاری باشد، حتما در ازای کار خود مزد دریافت کند».^۱

قتل فردی یهودی یکی از سه گناهان بزرگ (در کنار بت‌پرستی و زنا) است ولی بنابر فتوای ابن‌میمون، اگر مقتول بیگانه و غیر یهودی باشد، و قتل عمدا رخ دهد، دادگاه نمی‌تواند او را به مجازات برساند و فقط مرتکب گناه شده است.^۲ اصل تلمودی این است که جان بیگانگان نباید نجات داده شود، هرچند قتل عمد آنها ممنوع است.^۳

از جمله تبعیض‌ها در مسائل مالی این است که هدیه دادن به غیریهودی جایز نیست. گرفتن بهره پول از یهودی حرام است، اما از غیریهودی واجب است. اگر یک یهودی مالی پیدا کند و احتمال دهد که صاحب آن یک یهودی است، باید برای یافتن صاحب آن تلاش کند، اما اگر صاحب آن، غیریهودی باشد می‌تواند آن را تصاحب کند. فریب دادن یک یهودی در معامله، گناه کبیره است، اما در مورد غیریهودیان شرکت غیرمستقیم در چنین معامله‌ای روا است. کلاه‌برداری از یهودیان ممنوع است، اما این اصطلاح در مورد غیریهودیان کاربرد ندارد. حتی سرقت که مطلقاً حرام است، در شرایطی نسبت به اموال غیریهودیان جایز است.^۴

۱. سلیمانی، عبدالرحیم، «قوم یهود از برگزیدگی تا نژادپرستی»، مجله هفت آسمان، تابستان ۱۳۸۳ش، شماره ۲۲، ص ۱۲۰.

۲. شاهاک، اسرائیل، تاریخ یهود، مذهب یهود، ترجمه مجید شریف، انتشارات چاپخش، تهران، ۱۳۷۶ش، ص ۱۹۱.

۳. همان، ص ۲۰۱.

۴. همان، صص ۱۹۰-۲۲۴.

نتیجه

با بررسی کتب مختلف عهد عتیق در باب احسان نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. احسان و نیکوکاری تنها یک حوزه خاص را در بر نمی‌گیرد، بلکه همه حوزه‌های زندگی را شامل می‌شود و از جهت مصادیق، در اشکال مختلف و متنوعی ظهور و بروز می‌کند و از کمک و انفاق مادی تا دستگیری و هدایت گمراهان همه از مصادیق نیکوکاری است.
۲. گرچه در قیاس با دیگر ادیان، شریعت و فقه در یهودیت اهمیت بسیار دارد و دینی شریعت محور است، ولی این جستار نشان می‌دهد که غالب احکام فقهی دین یهود، به‌ویژه در باب کمک‌های مادی برآمده از باورهای و آموزه‌های شناختی و اخلاقی خاصی است که به تحقق اهداف اخلاقی - عرفانی خاصی می‌انجامد و تا زمانی که آن غایات پایدارند، این دسته از احکام نیز باقی خواهند ماند.
۳. یهودیت دین جامعه‌گرا و سنت‌گراست. تأثیر این ویژگی در برخی از احکام و آموزه‌های اخلاقی-فقهی مانند احسان نسبت به سالمندان و بزرگان می‌توان دید. همچنین می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام اجتماعی و حتی ماندگاری قوم یهود در طول تاریخ دراز ۳۵۰۰ ساله آنان، برغم مشکلات و فشارهای بسیار، آموزه‌های مربوط به احسان مانند رها کردن محصولات، بخشش قرض‌ها، کمک به غریبان هم‌کیش، پرداخت عشریه، مشوق‌های آزادکردن بردگان عبری نژاد، و غیره بوده است.
۴. گرچه آموزه برگزیدگی نژادی و سرزمینی یهود هم در کتب متقدم و هم در کتب متأخر به انسجام اجتماعی و پایایی یهودیان کمک کرده است، ولی در مجموعه ۳۹ کتاب عهد عتیق به نژادپرستی و تحقیر پیروان دیگر ادیان نمی‌انجامد، هرچند بنابر تحلیل شاهاک تفسیر تلمودی دیدگاهی مغایر با آن را ارائه داده است.
۵. پس از تقدیس و محبت خداوند مهم‌ترین آموزه اخلاقی عهد عتیق احسان به والدین و همسایگان است.
۶. پشتوانه نظری آموزه اخلاقی - فقهی احسان در عهد عتیق، باور به فراگیری قدرت و مشیت خداوند است.

۷. تجربه تاریخی دوران غربت، اسارت و محکوم بودن یهودیان در مصر، بین النهرین موجب شده است که یهودیان وضعیت بیگانگان را درک کنند زیرا خود آنان در سرزمین مصر بیگانه و محکوم بوده‌اند.

منابع

- آشتیانی، جلال‌الدین، *تحقیق در دین یهود*، چاپ دوم، انتشارات نگارش، ۱۳۶۸ش.
- آترمن، آلن، *باورها و آیین‌های یهودی*، ترجمه رضا فرزین، چاپ اول، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵ش.
- بوبر، مارتین، *کسوف خداوند: مطالعاتی در باب رابطه دین و فلسفه*، ترجمه عباس کاشف و ابوتراب سهراب، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۰ش.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، *یهودیت*، چاپ دوم، قم، آیت عشق، ۱۳۸۴ش.
- سلیمانی، عبدالرحیم، «قوم یهود از برگزیدگی تا نژادپرستی»، *مجله هفت آسمان*، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۸۳ش.
- شاهاک، اسرائیل، *تاریخ یهود، مذهب یهود*، ترجمه مجید شریف، انتشارات چاپخش، تهران، ۱۳۷۶ش.
- فروم، اریک، *دل آدمی و گرایشش به خیر و شر*، ترجمه گیتی خوشدل، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات پیکان، ۱۳۸۷ش.
- قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند، انتشارات دفتر مطالعات و معارف اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۳ش.
- *کتاب مقدس*، انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۱۸۳م.
- گندمی، رضا، «اندیشه قوم برگزیده در یهودیت»، *مجله هفت آسمان*، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۴ش.
- ناس، جان بایر، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ش.
- هینلز، جان آر، *فرهنگ ادیان جهان*، ترجمه گروه مترجمان، ویراستار ع. پاشایی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان مذاهب، ۱۳۸۶ش.
- بیتس، کایل و دیگران، *جهان مذهبی: ادیان در جوامع امروز*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش.
- Cohn-Sherbok, Dan, *Judaism: History, Belief, and Practice*, Routledge, 2003.
- Doniger, Wendy (ed.), *Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*, Merriam-Webster incorporated, 1999.
- Reichert, Andreas, "Bible", *The Brill Dictionary of Religion*, Edited by Kocku von Stuckrad, Leiden, Brill, 2006.